



## تقریر درس خارج فقه نظام خانواده آیت الله اراکی دامت برکته

مقرر	حجت الاسلام محمدعلی زحمت کش	جلسه	۱۸	تاریخ	۱۴۰۰/۱۲/۰۵
عنوان ۱	فصل اول: کلیات احکام ازدواج				
عنوان ۲	مطلب پنجم: شروط وجوب نکاح یا انکاح				
عنوان ۳	شرط کفویت				
عنوان ۴	اموری که موجب سلب کفویت می شود				
عنوان ۵	کفر				
عنوان ۶	ازدواج با مخالف مذهب				

### مرور درس گذشته

بحث در جواز ازدواج مسلمان مخالف مذهب بود و گفتیم در اینبار در چهار مبحث بحث می کنیم؛ مبحث اول در اصل ازدواج با مخالف مذهب بود که گفتیم اطلاعات و عمومات، دلالت بر جواز می کنند. مبحث دوم این بود که جواز ازدواج با مسلمان غیر شیعه، در صورتی است که او، اعلام نصب و دشمنی اهل بیت علیهم السلام نکرده باشد. در مبحث سوم به این اشاره کردیم که ازدواج با ناصبی و خارجی ای که دشمنی خود را اعلام نمی کند، جایز است و ملاک عدم جواز تزویج، اعلام نصب است؛ لذا ازدواج با «من لم یعرف بالنصب» اشکال ندارد که عامه مسلمین جهان چنین هستند؛ اینها همان هایی هستند که در منابع ما از آنها به مستضعفین تعبیر شده است؛ مگر وهابیون و عناصر خبیثی که اعلام دشمنی می کنند. بحث امروز، در مبحث چهارم است.

### مبحث چهارم: جواز ازدواج با مخالف ناصب در صورتی که تقیه اقتضا کند

ازدواج با ناصبی و خارجی ای که اعلان برائت نیز می کند، در صورتی که تقیه اقتضاء کند، جایز خواهد بود؛ که جواز در اینجا، به لحاظ تقیه است؛ مثلاً فرض کنید ازدواج حضرت جواد علیه السلام با ام فضل و ازدواج امام حسن مجتبی علیه السلام با جعدہ.

تکمله بحث این است که گرچه گفتیم که ازدواج با مخالف در صورتی که ناصبی نباشد جایز است؛ اما کراهت دارد. روایات صحیحی در این زمینه وجود دارد که از آن استفاده کراهت می شود:

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ عَنْ زُرَّارَةَ بْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: تَزَوَّجُوا فِي الشُّكَاكِ وَلَا تَزَوَّجُوهُمْ فَإِنَّ الْمَرْأَةَ تَأْخُذُ مِنْ أَدَبِ زَوْجِهَا وَيَقْهَرُهَا عَلَى دِينِهِ<sup>۱</sup>؛

مراد از «الشُّكَاكِ» در این روایت کسانی هستند که اعلام نصب نمی‌کنند؛ اما عارف نیستند و مسائلی که درباره امامت و ولایت وجود دارد، به گوش آنها نخورده است و کسی برای آنها به استدلال نپرداخته است؛ یعنی اسرار بر مخالفت با ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام ندارند؛ اما آگاهی نیز ندارند.

از این روایت استفاده می‌کنیم که زن دادن به آنها کراهت دارد؛ حمل بر کراهت به دلیل تعلیل «فَإِنَّ الْمَرْأَةَ تَأْخُذُ مِنْ أَدَبِ زَوْجِهَا» و روایات دالّه بر جواز ازدواج است که جمع بین این دو دسته روایات، مقتضی این است که این روایت را بر کراهت حمل کنیم.

روایت دیگری نیز در این زمینه وجود دارد که ظهور آن در کراهت اقوی است؛ اما از لحاظ سندی دارای خلل است؛ زیرا ابی جمیله توثیق ندارد و نیز اسناد مرحوم شیخ به علی بن حسن بن فضال مشکل دارد؛ گرچه ما اسناد شیخ به ایشان را در جای خود تصحیح کرده‌ایم؛ اما مشهور از آقایان، این اسناد را تضعیف می‌کنند:

وَبِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ فَضَالٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ سِنْدِيٍّ عَنِ الْفُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَنِ الْمَرْأَةِ الْعَارِفَةِ هَلْ أُزَوِّجُهَا النَّاصِبَ قَالَ لَا لِأَنَّ النَّاصِبَ كَافِرٌ قُلْتُ فَأَزَوِّجُهَا الرَّجُلَ غَيْرَ النَّاصِبِ وَلَا الْعَارِفَ فَقَالَ غَيْرُهُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْهُ»<sup>۲</sup>؛

از عبارت «غَيْرُهُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْهُ» کراهت استفاده می‌شود؛ و این روایت نیز قرینه می‌شود که روایت قبل نیز دلالت بر کراهت دارد.

و صلّی الله علی محمد و آله الطّاهرين

۱. وسائل الشیعة؛ کتاب النکاح، ابواب ما یحرم بالکفر، باب ۱۱، ح ۲.

۲. همان؛ ح ۱۱.